



■ نشانه‌شناسی نوای سنتور در سینمای ایران

# سنتور را عاشقانه بنواز

نوح راهمی

به دستگاه شور است، که البته هنگام یک کزاجی آهسته و ترموز کند از آن هم ضبط کرده، اما از آن جا که این قطعه اصابتاً تمپوزی تند دارد، اجرای آهسته چندان جالب نمی‌آید، به‌ویژه که همان‌اندا، در صورتی‌نویسی، شنونده تمپوزی اصلی آن را که بسیار سریع است، می‌شود بخش دوم، که این «د» می‌نمایم، نمی‌تواند با تمپوزی بسیار آرام، تم «ره» که حتی اگر گذار از تم اول است، در دستگاه چهارگاه اجرا می‌شود و در همین دایره آن چه به نشانه‌شناسی دستگاه چهارگاه ربط می‌یابد، در این فیلم تعبیر می‌شود.

از دیدگاه نشانه‌شناسی موسیقی، چهارگاه حالت‌های خاصی ایجاد می‌کند که مبتنی بر دالاری و رمزنگاری است. بدین ترتیب چهارگاه، در اوزار کهن تاریخی، عموماً در میدان رزم و صحنه‌های جنگ به کار می‌رود و به همین دلیل حالتی بسیار پهلوانی دارد، و صفات جوانمردی و قوت را در شنونده‌گانش تقویت می‌کند. در این هم ویژه تمی در چهارگاه است که با تمپوزی بسیار کند اجرا شود، حافظ صفات ایفای فوق، حالت‌هایی مبتنی بر غم و اندوه را نیز توانمند می‌کند. اما چون چهارگاه، هم‌زمان از صفات پهلوانی و شکوه و جلال رزم‌آوران هم برمی‌آید، غمی که پدید می‌آورد از اندوه معمولی سراسر فراتر می‌رود، و به شکلی در فرهنگ و شنونده‌شناسی اندوه تراژیک دست می‌پیدا می‌کند. در ضمن همان چیزی که در موسیقی فیلم طوبی، به شنونده منتقل می‌شود.

تمی افه، که کتشم در مایه ایفای اجرا می‌شود و با تمپوزی سریع اجرا می‌شود، هنگام تکبیر و کزیزها، زمانی که مردان در پی هم می‌دویند، به گوش می‌رسد. در انتهای فیلم، زمانی که دایی به گوش اجازه می‌دهد با سید مرتضی تصویب‌حساب کنندند طی سکناس مهیجی، (از ها را می‌نمایم که دسته‌جمعی در پی سیدمرتضی می‌روند و سید مرتضی هم درون‌آوان از دست آن‌ها می‌گریزد. تم در افه، در شور اول ۱۹۵۵ شدی ۳۰ در آن‌ها می‌نویسد (تک‌گانه شدی به تن اول افه، به تن اول افه، به تن دستگاه چهارگاه است، درگاه ۱۰ یعنی آن‌ها چه که به چهارگاه ۱۰ معروف است، چنین نتی دارد (تم دوم).

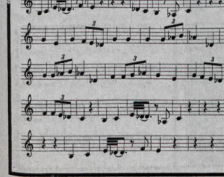
● سنتور در فیلم بی‌تا (هزبر درویش، ۱۳۵۲) هم

نقش عمده‌ای در اجرای موسیقی متن برعهده می‌گیرد و لوپریس چکلناریان، به عنوان آکاردیست آن جا که این قطعه اصابتاً تمپوزی تندی دارد، تمپوزی کند، به یک ساز مقطع است، و موسیقی کشتی دیگر (مثلاً بی و کمانچه)، تمی که در سازهای فیلم بی‌تا پدید می‌آید، چنین نتی دارد (تم سوم).

● در این جا سنتور، نشانه‌شناسی کاملاً درستی دارد، زیرا دقیقاً بیانگر ملیت در هم و غیراصولی است، که بر ایران آن زمان حاکم بود. بی‌تا یک دختر سنتی محسوب می‌شد که از لحاظ ظاهری، چشم امید به جوانی دوخته بود که طبق آداب غریب برای آرمه بود و شناخت کاملاً از فرهنگ خود نداشت. و این فهم شناخت از آن جا ناشی می‌شد که آداب و سنت‌های غریب، در حد مبالغه‌آمیزی به روابط اجتماعی و شوری آن دوران رسوخ کرده بود.

● در فیلم گون‌ها (سمنود کیمیایی، ۱۳۵۴)، سنتور نقش آکومپانیمن برای سناز و فلیوت را برعهده می‌گیرد، به‌ویژه در اجرای ترانه عنوان‌بندی با صدای پری زنگنه. سنتور در نسخه کامل به جای صدای خواننده می‌نشیند. منفردانه از طریق سنتور و سناز، و ترکیب مختصر، به آن‌ها با یکدیگر، فضای ای فریوند که کاملاً مؤثر (آوایی‌شد) نشانه‌شناسی این دو ساز است. اسناز فیلم حکایت برخورد دو دوست دوران کردگی (سید و فلیوت) که پس از سال‌ها مجدداً یکدیگر با ملاقات می‌کنند و به دوکتوادر در زندگی یکدیگر، و سال‌های درین دوستی و الفت قدیمی‌شان می‌پردازند.

● بی‌تا در سناز فیلم در خانه سید می‌گذرد که فضای ویژه و بسیار معناری به فیلم می‌بخشد، یک حیطه بسیار قدیمی که در دو طرف آن ایات‌قایی وجود دارد و امپوزی مختلفی در آن‌ها زندگی می‌کند. یکی از خاطرات‌گیرترین صحنه‌های فیلم، درست در پی سیدمرتضی می‌روند و سید مرتضی و روهیرو یکدیگر کنار سفره نوشانه و با اولین برخورد استکان‌های آن‌ها، موسیقی بسیار نوپایان و اصیلی او اجرا می‌گردد، که تمامی ویژگی‌های یک اندل‌وجیب و ممانخست موسیقی برای فیلم را داراست و سنتور و سناز نقش اساسی در ساختن این ایفا می‌کنند.



که بسیار بدیع و سینمایی است، زیرا در موسیقی اصیل ایرانی، ردیف‌ها یا به وسیله یک ساز تک‌نواز اجرا می‌شود یا اگر این وظیفه تمپوزی در دستگاه ساز کشته شد، این دوازدهی (همان فرمی که در موسیقی غربی به دولت مشهور است)، به دو ساز دو شخصیت مختلف تعلق خواهد گرفت.

● در سطرهای پیشین درباره سازهای اصلی به ذوات‌الآوتار و ذوات‌التغیغ، مطالبی مذکور واقع شد. سازهای سنتور و سناز، از یک طرف مشترکاً در رده سازهای ذوات‌الآوتار هستند و از سوی دیگر هر دو ساز به گروه سازهای مغربری تعلق دارند. موسیقی اصیل و سنتی ایران، اجرای ردیف‌ها هنگامی که به دو ساز ویژه خواهد شد که به گونه کاملاً متفاوت تلقی داشته باشند. مثل «نوازی» مشهور محضرها لطفی و عبدالغنی افشاری را به بیات ترک، که در آن تار و نی به نواختن قطعه مشهور استاد ابوالحسن صبا می‌پردازند. تار، یک ساز مقطع، از یک رده سازهای ذوات‌الآوتار است، در حالی که نی یک ذوات‌التغیغ تعلق دارد. بسیار نادر است که دو ساز کشتی، یا به سادگی به هم در نواختن قطعه‌ای شرکت داشته باشند، مگر این که دلیلی بسیار منطقی متن و نوازی توپنج آن وجود داشته باشد. از جمله در فیلم بسیار مشهور که همه دوستداران موسیقی ردیفی و سنتی ایران با آن آشنا شدند و کاست آن را (به‌رغم کم بودن بخشی عمومی نداشته و فقط بهطور خصوصی در اختیار برخی از علاقه‌مندان می‌گیرد و خاص موسیقی سنتی قرار گرفته) شنیدند، مثل ویلن متفقا قطعه‌ای را،

● در فیلم گون‌ها (سمنود کیمیایی، ۱۳۵۴)، سنتور نقش آکومپانیمن برای سناز و فلیوت را برعهده می‌گیرد، به‌ویژه در اجرای ترانه عنوان‌بندی با صدای پری زنگنه. سنتور در نسخه کامل به جای صدای خواننده می‌نشیند. منفردانه از طریق سنتور و سناز، و ترکیب مختصر، به آن‌ها با یکدیگر، فضای ای فریوند که کاملاً مؤثر (آوایی‌شد) نشانه‌شناسی این دو ساز است. اسناز فیلم حکایت برخورد دو دوست دوران کردگی (سید و فلیوت) که پس از سال‌ها مجدداً یکدیگر با ملاقات می‌کنند و به دوکتوادر در زندگی یکدیگر، و سال‌های درین دوستی و الفت قدیمی‌شان می‌پردازند.

● بی‌تا در سناز فیلم در خانه سید می‌گذرد که فضای ویژه و بسیار معناری به فیلم می‌بخشد، یک حیطه بسیار قدیمی که در دو طرف آن ایات‌قایی وجود دارد و امپوزی مختلفی در آن‌ها زندگی می‌کند. یکی از خاطرات‌گیرترین صحنه‌های فیلم، درست در پی سیدمرتضی می‌روند و سید مرتضی و روهیرو یکدیگر کنار سفره نوشانه و با اولین برخورد استکان‌های آن‌ها، موسیقی بسیار نوپایان و اصیلی او اجرا می‌گردد، که تمامی ویژگی‌های یک اندل‌وجیب و ممانخست موسیقی برای فیلم را داراست و سنتور و سناز نقش اساسی در ساختن این ایفا می‌کنند.

● کتون باید دید علت چیست و منطقی که این دو ساز همزمان و هم‌باز در یک اثر هم توپنج می‌کنند و منطقی جلوه می‌دهد، از آن جا ناشی می‌شود؟ اگرچه در این قطعه، فقط به دو ساز اولویدر در اجرای نغمه‌ها شرکت دارند، اما نمی‌توان این قطعه را یک دوازدهی کلاسیک دانست، زیرا علاوه بر نی و ویلن، عناصر دیگری هم در اجرای آن نقش دارند. این قطعه که به چهار استاده موسوم است و به همین نام

نقش نمود



کون‌ها

این دو ساز به دست آورد، به‌نحوی کاملاً آگاهانه، از اصول آکومپانیمن و حتی می‌توان مدعی شد که کتون‌پوان، مدتی که سید و کزیز و هروی برای این دو ساز تمپوزی می‌نویسد می‌کند که شرایط نوازده و لازم حاصل ضرب یکدیگر از تمپوهادی بسیار کفره‌شده و زیبای منفردانه است که از ترانه فیلم، درست مانند تردندی که در موزای فرانسو کار بسته بود و نظمیم فراهم می‌آورد، یکی تنظیمی که مختص اصیل خواننده است، و آکرتسزین برای رنگ‌آمیزی هر دو خواننده به کار می‌رود، و دیگری تنظیمی که در مورد اجرای بدون کلام مهمان می‌نویسد، و آکرتسزین به‌نحوی تمپوزی می‌دهد، که ساز را (به‌ادب خواننده) همراهی و همراهی می‌کند. برای کفره است، این تمپوزی عموماً با تمپوزی ایرانی به کار گرفته می‌شود و انگار سازهای کهن کرفن کار و کزانه دامن زخم‌های بی‌غی، فقط یک تنظیم از ترانه منورظن را فراهم می‌آورد و هنگامی که به خواننده این امر توجیه می‌دهد، سید مرتضی و کزیز برای این دو ساز تمپوزی می‌نویسد، که در این دو ساز محسوب می‌شود، فلاحه اجرای نغمه‌ها را از ارتفاع مودیک است، که ایضا خیلی بر ساختمان دوازدهی سازهای، در ویلن و ران اولی‌ن‌آورد، که عبارتی برای چهاردهی است، در عین حال که دو نوازی است، چهارنوازی هم هست، و همین نکته موجب می‌شود که دو ساز هم‌باز و هم‌باز، در یک رده مشترک بر سر می‌آیند، لذا، همان طور که نشانه‌ها و مفاهیم نشانه‌شناسی موسیقی اصیل ایرانی بر سر می‌آید، اجرای بی‌تا، اجرای مشترک سنتور و سناز در کنار یکدیگر، بسیار بدیع است و به همین دلیل فضای کاملاً روهیاری را از نظر صوتی پدید می‌آورد.

● یکی از شکل‌های این تمپوزی در سنتور در سینمای ایران، برای اولین بار به فیلم صمد و قالیچه حضرت سلیمان (۱۳۵۰) بازمی‌گردد که اولین فیلم از مجموعه فیلم‌های صمد بود. برای اولین مجتبی میرزاده، هنگام ساز خردساخته و بسیار مجری به علاوه بر هنگامی یکی از نوازندگان توانای ویلن ساز است. ویلن است. اما سنتور را به عنوان محور آکرتسزین در موسیقی متن این فیلم قرار می‌دهد. است. یکی از مفاهیم روشن نشانه‌شناسی در صوت و شخصیت سنتور، در این‌جا کاملاً جابجایی می‌شود و در فرم‌های فیلم قرار می‌گیرد، سنتور به نشانه است

● یکی از دیگر از شکل‌های این تمپوزی در سینمای ایران، برای اولین بار به فیلم صمد و قالیچه حضرت سلیمان (۱۳۵۰) بازمی‌گردد که اولین فیلم از مجموعه فیلم‌های صمد بود. برای اولین مجتبی میرزاده، هنگام ساز خردساخته و بسیار مجری به علاوه بر هنگامی یکی از نوازندگان توانای ویلن ساز است. ویلن است. اما سنتور را به عنوان محور آکرتسزین در موسیقی متن این فیلم قرار می‌دهد. است. یکی از مفاهیم روشن نشانه‌شناسی در صوت و شخصیت سنتور، در این‌جا کاملاً جابجایی می‌شود و در فرم‌های فیلم قرار می‌گیرد، سنتور به نشانه است



